گفت‌وگوی «توسعه ایرانی» با سردار قلابی را بخوانید

پایان کلاه‌برداری‌های مرد هزار چهره پایتخت

گروه حوادث: مرد هزار چهره تهران که دست به توطئه چینی های عجیبی زده بود به ایستگاه زندان رسید.

این سردار قلابی با چهره‌ای فریبنده در محل زندگی اش از اعتماد مردم و طعمه هایش سوء استفاده کرده و دست به کلاهبرداری و اخاذی های تبهکارانه ای زده است. این مرد تا جایی پیش رفت که وقتی پسرش سکته مغزی کرد در محل زندگی اش ادعا کرد پسرش شهید مدافع حرم است.

ماموران قلابی

چندی قبل پلیس پایتخت در جریان سرقت فریبکارانه ۲ مرد مامور نما با خودروی پیکان سفید رنگ قرار گرفتند و همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۵ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند.

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات پی بردند که سارق اصلی این پرونده مردی ۵۷ ساله است که در نقش سردار یا افسر عالی رتبه نظامی و در حالی که لباس فرم نظامی به تن داشته اقدام به سرقت و اخاذی از طعمه هایش می کند.

نخستین سرنخ

تیم پلیسی در این شاخه از تحقیقات به محل های سرقت رفته و با بررسی فیلم دوربین های مداربسته در موفق به شناسایی شماره پلاک خودروی پیکان سفید رنگ شدند.

در این مرحله مشخص شد که خودروی پیکان روز ۱۶ خرداد ماه سال ۹۷ به سرقت رفته است و در این مرحله صاحب خودرو هدف تحقیق قرار گرفت.

پسر جوان گفت: روز ۱۰ خرداد ماه سال جاری برای رفتن به دانشگاه از زنجان به تهران آمدم و در نزدیکی میدان آزادی داخل خودرو در حال استراحت بودم که ناگهان ۲ مرد موتور سوار به سراغم آمدند و با داد و فریاد ادعا می کردند که چرا پس از تصادف فرار کردی و با این شلوغ کاری هایشان مردم دور ما جمع شدند.

وی افزود: مرد ۵۷ ساله خودش را سرهنگ معرفی کرد و خواست تا سوار بر خودرویش شوم. به بیمارستان رفتیم و در آنجا ادعا کرد که هزینه بیمارستان برای درمان مرد جوانی که با او تصادف کرده‌ام ۴ میلیون تومان است.

هر چه می گفتم من با کسی تصادف نکرده‌ام و این ماجرا دروغ است بی فایده بود تا اینکه آنها با تهدید و زور مرا مجبور کردند تا یک قولنامه بنویسم و خودرو را در اختیارشان قرار دهم و پس از آن مرا سوار بر اتوبوس کردند و من به زنجان بازگشتم.

شناسایی سردار قلابی

کارآگاهان در ادامه با تحقیقات پلیسی و با شناسایی محل پارک خودروی پیکان سرقتی، یکی از مجرمان سابقه دار که امیر ۵۷ ساله است را شناسایی کردند و مشخص شد وی سال ۸۷ نیز به اتهام جعل عنوان مامور دستگیر شده است. جوان دانشجو با دیدن آلبوم مجرمان سابقه دار امیر را همان مامور پلیس قلابی معرفی کرد و در ادامه مشخص شد همدست امیر نیز پسرش پوریا ۲۶ ساله است. بدین ترتیب ماموران روز ۱۸ مرداد ماه سال جاری در ۲ عملیات همزمان موفق به دستگیری امیر و پسرش پوریا شدند.

کلاهبردار هزار چهره

کارآگاهان در تحقیقات میدانی در محل زندگی متهمان پی بردند که وی با ظاهرسازی خود را سردار یا امیر ارتش معرفی کرده و با توجه به چهره فریبنده اش در میان مردم منطقه مورد اعتماد شناخته شده است تا حدی که برخی از اهالی منطقه فردیس برای حل مشکلاتشان به سراغ امیر و پسرش رفته و آنها با سوءاستفاده از این موضوع از طعمه هایشان کلاهبرداری کرده‌اند.

گفت‌وگو با سردار قلابی

امیر ۵۷ ساله مردی است که خود را به عنوان یک جانباز شیمیایی معرفی می کند و با چهره فریبنده ای که برای خودش درست کرده در نقش سردار و امیر ارتش اقدام به فریبکاری و اخاذی از طعمه هایش می کند.

این مرد آنقدر راحت دروغ می گوید که نمی توان باور کرد که کدام حرف اش واقعیت دارد!

■ سابقه داری؟

سال ۸۷ به خاطر غصب عنوان و کلاهبرداری دستگیر و پس از ۶ ماه آزاد شدم.

■ شغل؟

در کار بساز و بفروش بودم یا خانه‌های قدیمی را می خریدم و داخلش را بازسازی می کردم و می فروختم.

■ چرا دستگیر شدی؟

من جانباز بودم که کار خلاف کردم و شرمنده هستم.

■ شنیدم در محل زندگی ات گفتی پسرت شهید شده است؟

خیلی دوست داشتم پسرم شهید مدافع حرم شود و وقتی فوت کرد عکس هایش را در کنار تصاویر شهید حججی و مدافعان حرم گذاشتم همه فکر می کنند پسرم شهید شده است.

علت مرگ پسرت چه بود؟

سکته مغزی کرد.

■ داخل خانه ات هم نمایشگاهی از تجهیزات جنگی گذاشتی؟

نه، پسر خدابیامرزم رزمی کار بود و آن وسیله ها برای او بود که در رشته ووشو و کاراته ورزش می کرد.

■ چند فرزند داری؟

به جز پسرم که فوت کرد یک پسر و دختر دیگر دارم.

■ پسرت سابقه دار است؟

بله ولی جرمی انجام نداده بود.

■ گفتند که زورگیری کرده؟

چند سال قبل به خواهرم پول قرض داده بودم و بعد از ۷ سال هر چه گفتم پولم را پس بده بی فایده بود تا اینکه پسرم به خانه او رفت و با آنها دعوا کرد تا پول را پس بگیرد که آنها با پلیس تماس گرفتند و ادعا کردند پسرم قصد زورگیری از آنها را داشته است.

■ الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

کلاهبرداری و جعل.

■ به چه شیوه ای کلاهبرداری می کردی؟

در مجالس مختلف که حضور پیدا می کردم وقتی متوجه می شدم که از کسی به دنبال وام گرفتن است خودم را به آنها نزدیک کرده و درباره مشکلاتشان صحبت می کردم و سپس شماره تلفنم را به آنها می دادم و بعد از آن با ادعای اینکه سردار و امیر ارتش هستم از آنها پول می گرفتم که کارشان را برای گرفتن وام انجام دهم اما هیچ اتفاقی برای آنها نمی افتاد.

■ از هر نفر چقدر پول می گرفتی؟

بین ۳ تا ۶ میلیون تومان پول می گرفتم.

■ ماجرای سرقت پیکان چه بود؟

یک روز با پسرم در غرب تهران در حال خوردن شیر کاکائو با کیک بودیم که ناگهان خودروی پیکان به موتورمان زد و موتور به مرد دیگری که در کنار موتور ایستاده بود برخورد کرد و داخل جوی آب افتاد و در همین لحظه خودروی پیکان فرار کرد. مرد زخمی را با پسرم سوار بر موتور کردیم و به دنبال پیکان رفتیم اما ناپدید شده بود اما در مسیر بیمارستان بودیم که دیدیم پیکان در کنار میدان آزادی توقف کرده است. به سراغ پسر جوان رفتیم و او ادعا کرد از ترس فرار کرده که با اصرار ما به بیمارستان خصوصی رفتیم و از مرد زخمی عکسبرداری شد.

■ خودرو را چطور قولنامه زدید؟

پسرجوان می گفت که پول هزینه بیمارستان را ندارد به همین خاطر او را مجبور کردم که یک قولنامه با دستخط خودش بنویسد و ماشین را به ما بدهد و بعد هر وقت با پدرش آمد خودرو را به نام بزند ما بقی پول را به آنها می پردازیم.

■ صاحب خودرو دنبال خودرویش آمد؟

یکبار تماس گرفت و سر قرار نیامد و گفت از شما شکایت می کنم که ما گفتیم هر کار می خواهید انجام دهید و خودرو را خودمان برداشتیم.

■ به مرد زخمی پول دادی؟

هزینه بیمارستان را پرداخت کردیم و ۱۰۰ هزار تومان هم به او دادیم.

■ با خودرو چه کار کردی؟

چون خودروی اسقاطی بود بعد از چند وقت آمدند با خودرو به پارکینگ بردند.

■ اما با خودروی پیکان در نقش مامور قلابی پلیس دزدی و اخاذی می کردی؟

(سکوت)

■ شنیدم خیلی شیوه های مختلفی برای کلاهبرداری داشتی و آنقدر حرفه‌ای بودی که کسی نمی توانست از شما شکایت کند؟

من شرمنده ام، هر چه پول به دست آوردیم به دست پسرم رسید و من یک ریال هم برداشت نکردم.

■ پس چرا نقش پردازی می کردی؟

به خاطر بزرگ بینی و اشتباه کردم.

■ هزینه زندگی را چطور تامین می کردی؟

پول زیاد دارم و نیازی به این پول های فریبکارانه نداشتم.

ویلچر و دستگاه اکسیژن هم برای فریبکاری بود؟

نه، من جانباز هستم و بعضی اوقات از آنها استفاده می کنم.

■ موقع دستگیری حتی لنگان لنگان راه می رفتی و می گفتی جانبازی اما الان خیلی راحت راه می روی؟

بعضی اوقات به خاطر جنگ ماهیچه های پایم می گیرد و بخاطر همین هم از ویلچر استفاده می کنم.

■ ماجرای ماشین دوو چه بود؟

پسرم یک خودرو در سایت دیوار دیده بود و گفت که می خواهد آن را بخرد، قیمت خودرو دوو در سایت ۳ میلیون و پانصد هزار تومان بود و یک میلیون پانصد خلافی داشت و با ۲ میلیون می توانستیم آن را بخریم که همراه پسرم سوار بر خودرو شدیم و بعد از دادن ۵۰۰ هزار تومان قولنامه را خودمان نوشتیم و صاحب خودرو که به ما اعتماد کرده بود خودرویش را در اختیار ما قرار داد و پسرم در یک لحظه قولنامه ای که باید دست صاحب خودرو باشد را از روی داشبورت برداشت و از آن زمان به بعد خودرو برای ما شد.

■ پسرت شما را جلوی صاحب خودرو پدرش معرفی کرد؟

نه، مرا سردار معرفی کرد و من هم دیگر نمی توانستم حرفی بزنم و کلی خوشحال بودم.

■ چرا پسرت را در کارهای خلاف همراهی کردی؟

ناخواسته بود.

■ خودت با او همقدم شدی تا کلاهبرداری و اخاذی کنی، ناخواسته نبوده؟

درست می گویید، من شرمنده هستم

■ آزادشوی دوباره کلاهبرداری و نقش سردار قلابی را بازی می کنی؟

نه، هیچ کاری نمی کنم و سرم به کار زندگی خودم است.

■ پشیمانی؟

من بعد از فوت پسرم دیگر مغزم به اعداد و ارقام نمی کشید به همین خاطر این نقش ها را بازی کردم.

■ لباس نظامی هم تن می کردی؟

نه.

■ اما زمان دستگیری لباس نظامی در خانه داشتی؟

خوب من به این لباس ها علاقه دارم.

■ از کسی هم اخاذی کردی؟

فکر کنم ۴ نفر.

■ حرف آخر؟

من شرمنده و خجالت زده هستم.

بنا به این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار پلیس آگاهی تهران قرار گرفته اند و بازپرس شعبه ۱۰ دادسرای ناحیه ۱۰ خواست تا کسانیکه در دام فریبکاری این سردار قلابی و پسرش گرفتار شده اند به اداره ۵ پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

خبر

این مرد به همسر و صاحبکارش شک داشت

مجازات مرگ برای آتش افروز بدبین

گروه حوادث: سرایدار جوان که صاحب باغ را به خاطر بدبینی اش داخل خودرو به آتش کشید و مرگ تلخ او را رقم زد به قصاص محکوم شد. تابستان سال ۹۶ مردی به نام نیما بخاطر آتش سوزی عمدی داخل خودرویش واقع در اسلامشهر کشته شد و پلیس سرایدار باغ او را قاتل شناخت.

اسماعیل هفته گذشته در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی توکلی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه پدر و مادر نیما برای قاتل پسرشان حکم قصاص خواستند. سپس اسماعیل به دفاع پرداخت و گفت: من در باغ نیما سرایدار بودم. مدتی بود به رابطه او و همسرم مشکوک شده بودم. گمان می کردم نیما همسرم را آزار داده است. این فکر مرا رها نمی کرد. با آن که دو فرزند دارم زندگی ام در آستانه فروپاشی بود. به همین خاطر باغما را ترک کردیم تا برای زندگی به شهرستان محل زندگیمان برگردیم.

وی ادامه داد: آن روز نیما را در خیابان دیدم .علت اینکه باغ را ترک کرده ایم از من پرسید. گفتم قصد دارم برای زندگی به شهرستان برگردم .او مکانیک و در چهاردانگه صاحب یک کارگاه بود. به همین خاطر از من خواست ماشینم را به آنجا ببرم تا قبل از سفر آن را بررسی کند. نیما می گفت ماشینم مستهلک شده و ممکن است در راه برایم گرفتاری ایجاد کند. من قبول کردم و نیما داخل ماشین نشست تا باهم به کارگاه او به چهاردانگه برویم. او در میان راه از ماشین پیاده شد و یک نیم لیتر بنزین از باک کشید. شیشه بنزین را به دستم داد تا در کارگاه آن را از من بگیرد.

این متهم ادامه داد: نیما در بین راه مشغول حرف زدن بود و من مدام به رابطه پنهانی او و همسرم فکر می کردم. به همین خاطر تحملم تمام شد و از او درباره رابطه با همسرم سوال کردم. نیما انکار کرد اما وقتی اصرار مرا دید گفت همسرم را آزار داده است. من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم بطری یک و نیم لیتری بنزین را روی داشبورد و صندلی های ماشینم ریختم و به او گفت می خواهم خودم و ماشین و زندگی ام را آتش بزنم. ولی نمی دانم چه شد که ماشین یکباره آتش گرفت.

این متهم گفت: گمان می کنم بنزین به خاطر گرمای هوا یا جرقه خود به خودی فندکم شعله وی شد. من از داخل ماشین بیرون آمدم اما نیما داخل ماشین گیر کرده بود. سعی کردم او را بیرون بیاورم اما نشد تا اینکه یک شاهد سر رسید و در را باز کرد و او را از ماشین خارج کرد. ما نیما را به بیمارستان رساندیم اما کار از کار گذشته بود.

سپس قضات دادگاه از مردی که نیما را داخل ماشین خارج کرده بود خواستند تا به عنوان شاهد در جایگاه ویژه بایستد و به تشریح آنچه دیده بپردازد.

با پایان اظهارات این شاهد هیات قضایی وارد شور شدند و با توجه به مدرک های موجود در پرونده مرد سرایدار را به قصاص محکوم کردند.

اخبار حوادث

بیمارستان شفای پردیس کودک بدحال را نپذیرفت

عوامل بیمارستانی از پذیرش کودک بدحالی امتناع کردند و حتی با تکنسین های عوامل اورژانس نیز درگیر شدند. رئیس مرکز اورژانس پردیس گفت: تکنیسین های این مرکز مورد ضرب و شتم نیز قرار گرفته اند و به آمبولانس هم که حدود دو ساعت در توقیف عوامل بیمارستان بوده، خسارت وارد شده است. این رویداد بعدازظهر امروز در مقابل چشم بیماران و مراجعان در حالی رخ داده که تکنسین های اورژانس پردیس یک کودک ۲ ساله بدحال را به این بیمارستان انتقال داده بودند. رئیس اورژانس پردیس در این باره توضیح داد: تکنسین های ما به علت وخامت حال پسربچه دو ساله و نبود زمان کافی برای انتقال به تهران، بیمار را به بیمارستان شفا منتقل کردند. نادر شایان افزود: پس از ورود آمبولانس به بیمارستان، نگهبانان و دیگر عوامل بیمارستان نه تنها کودک را پذیرش نکردند و تحویل نگرفتند بلکه با تکنسین های اورژانس نیز درگیر شدند. وی تاکید کرد: نگهبانان در بیمارستان را با زنجیر بستند و اجازه خروج به آمبولانس ندادند. شایان با بیان اینکه عوامل بیمارستان قصد تحویل گرفتن بیمار نداشتند و فرآیند اداری آن را انجام نمی دادند گفت: پس از شکایت از عوامل بیمارستان و با مداخله کلانتری (نیروی انتظامی) توانستیم آمبولانس را پس از حدود دو ساعت از بیمارستان خارج کنیم که به این خودرو

تهدید به بمب گذاری هواپیمای مسافربری آلمان

یک هواپیمای مسافربری آلمانی به دلیل تهدید بمب گذاری در جزیره کرت یونان به زمین نشست. این هواپیما با ۲۷۰ مسافر در مسیر الغردقه مصر به دوسلدورف آلمان بود که به دلیل تهدید بمب گذاری مجبور شد در جزیره کرت یونان فرود اضطراری داشته باشد. تمامی مسافران و ۱۱ خدمه پروازی پس از فرود به سلامت هواپیما را ترک گفتند. گزارش ها حاکی از آن است که تیم امنیتی برای بررسی وارد هواپیما شد. یکی از مقام‌های پلیس در کرت گفت: خلبان پس از دریافت اطلاعاتی درباره وجود یک مسیله انفجاری در هواپیما از برج مراقبت در فرودگاه چانیا در کرت خواست تا در آنجا فرود بیاید. مقام‌های ارتش محلی کرت گفته‌اند که این بوئینگ ۷۵۷ مسافربری خطوط هوایی آلمان توسط دو جنگنده اف-۱۶ یونان به فرودگاه کرت اسکورت شده است.

مرگ ۷ کودک در تصادف اتوبوس

مقامات فرانسه از برخورد یک اتوبوس حامل چندین کودک با کامیونی در شهرستان «اِن» واقع در شمال این کشور و زخمی شدن ۹ نفر در این حادثه خبر دادند. این تصادف روز گذشته (پنجشنبه) ساعت ۵.۴۵ به وقت محلی در بزرگراهی بین شهرهای پاریس و رنس رخ داده است. دو کودک در این تصادف به شدت مصدوم شده و به بیمارستانی در شهر «رنس» منتقل شده‌اند. پنج کودک دیگر و دو بزرگسال نیز در این تصادف دچار مصدومیت‌های جزیی شده‌اند. به گزارش اسپوتنیک، مقامات فرانسوی با بیان اینکه این اتوبوس هنگام تصادف ۴۱ مسافر داشته اعلام کردند که علت این حادثه هنوز مشخص نیست. همچنین تعداد دقیق کودکان سوار بر این اتوبوس گزارش نشده است.

مسافر زنجان دزد بود

سارق غیربومی به ۱۲ سرقت منزل در زنجان اعتراف کرد. سرهنگ کارآگاه جعفر رحمتی، گفت: سارق دستگیر شده که حدود ۳۱ ساله است این سرقت‌ها را در مناطق مرکزی و جنوب شهر زنجان، انجام داده است. وی اظهار داشت: این سارق سابقه دار و جوان، پس از اطمینان از نبود صاحبخانه با استفاده از علمک گاز به منازل ورود کرده و وجوه نقد و زیورآلات نگهداری شده در منزل را به سرقت می برد که در نهایت توسط پلیس آگاهی شناسایی و دستگیر شد. رئیس پلیس آگاهی استان زنجان به عموم مردم توصیه کرد حتی المقدور از نگهداری وجوه نقد، زیورآلات و دیگر اقلام با ارزش در منزل خودداری کنند و در صورت صلاحدید به صندوق های امانات بسپارند.